

بنیان اجرای حقوق بشر دوستانه: تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشر دوستانه

رضوان باقرزاده* - امیرحسین رنجبریان**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۶)

چکیده

از آنجا که زمینه اعمال قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در پهنه جنگ‌هایی امکان‌پذیر است که چهره خود را با پیشرفت فنون رزمی و شیوه‌های نبرد گونه‌گون می‌یابد، گاه قواعد این رژیم از جمله ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو نیز ناگزیر دستخوش تحولاتی می‌شود که آن‌ها را از میادى اولیه بسیار متفاوت می‌سازد. مطابق ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های اول و سوم الحاقی بدان‌ها، دولت‌های متعاقد ملزم به رعایت و تضمین رعایت مقررات مندرج در آن‌ها هستند که البته حقوق بین‌الملل معاصر آن را قاعده‌ای عرفی به شمار می‌آورد. با وجود استقبال از این تعهد در برخی اسناد حقوق بشری، به اقتضای ضرورت و واقعیت روابط بین‌المللی، تفاوت‌هایی میان آثار درج این تعهد در اسناد حقوق بشری و اسناد حقوق بشر دوستانه ملاحظه می‌شود. در این مقاله پس از طرح مباحث نظری، به بررسی مصادیق رعایت تعهد مزبور خواهیم پرداخت و سعی ما بر آن است تا در قالب مطالعه برخی موارد عینی، کنش متقابل آن‌ها در اجرای این اصل و وضعیت جاری آن در حقوق بین‌الملل فعلی را نیز تجزیه و تحلیل کنیم.

واژگان کلیدی: اجرای حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، اسناد حقوق بشر، تعهد به تضمین رعایت.

bagherzadeh.rezvan@yahoo.com

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

aranjbar@ut.ac.ir

** استادیار حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه تهران

حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوقی است سهل و [در عین حال] سخت؛ چرا که از اصولی ساده تشکیل شده که دانستن آن‌ها تخصص چندانی نیاز ندارد، اما اعمال این اصول در وضعیت‌هایی که به دقت قابل تعیین نیستند و بر اعمال یکسانی که ممکن است گاه قانونی، گاه غیرقانونی و گاهی نیز مجرمانه تلقی شوند، صعب و دشوار می‌نماید. (Eric David, in: Sassoli et la, Vol. I, 2011, p. 2)

۱. مقدمه

حقوق بشردوستانه بین‌المللی با هدف کاستن آلام رنج‌دیدگان از جنگ و حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه و حفظ کرامت و شأن انسانی در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه، عمده تمرکز خود را معطوف تعهدات حقوقی دولت‌ها و بازیگران غیردولتی می‌سازد. (Christopher Greenwood, in: Felck, 2008: 11) در این مسیر، در کنار منابع ارزشمند عرفی حقوق بشردوستانه به جرأت می‌توان کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ پس از جنگ جهانی دوم را هسته اصلی رژیم حقوق بشردوستانه بین‌المللی به شمار آورد. امروزه بخش عمده‌ای از دولت‌های جهان به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و به پروتکل اول الحاقی و تعداد بخش قابل توجهی به پروتکل الحاقی سوم پیوسته‌اند^۱ که در ماده اول مشترک تمامی این اسناد، بر اجرا و تضمین اجرای مقررات مندرج در اسناد مزبور تأکید شده است؛ امری که در اسناد پیش از خود نظیری نداشته است. اهمیت مفاد ماده یک مشترک مزبور تا حدی است که در کنار کمک‌های بشردوستانه و منع نسل‌کشی، یکی از سه قاعده اساسی ناظر بر اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه برشمرده شده است.^۲ (وکیل، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

مطابق ماده ۲۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در خصوص حقوق معاهدات، دولت‌ها متعهد هستند تعهدات خود را با حسن نیت به انجام برسانند. (Vienna Convention on the Law of Treaties hereinafter VCLT, 1969: Art. 26)

بشردوستانه یعنی رعایت و تضمین رعایت قرار گرفته است که در ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ و سپس با الگوبرداری از آن در اسناد مهم حقوق بشری نظیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ (بند اول ماده ۲) مذکور افتاده است. به همین سبب شایان یادآوری است زمانی که دولت‌ها خود را در قبال معاهده‌ای متعهد

1. For more information on the 1949 Conventions & Additional Protocols & their Commentaries see: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/CONVPRES?OpenView>

۲. برای اطلاعات بیشتر در خصوص دو قاعده اساسی دیگر نک. وکیل، امیر ساعد، (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۲، تهران، انتشارات مجلد، صص ۱۵۷-۱۵۶.

می‌کنند، فرض بر آن است که قصد اجرای آن را نیز دارند و تصمیمی مبنی بر نقض مفاد آن را در سر نمی‌پرورانند.^۱ بدیهی است که دولت‌های عضو کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل‌های الحاقی نیز ملتزم به لوازم و آثار تعهد خود به‌ویژه در پهنه اجرای اسناد مزبور به طور عام و ماده یک مشترک به طور خاص هستند.

جاکوب کلینرگر، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در شصتین سالگرد تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ در سال ۲۰۰۹ ضمن توجه به این نکته که ماهیت، علل و آثار مخاصمات مسلحانه در طول زمان در حال تحول است، خاطرنشان می‌سازد که قواعد حقوق بشردوستانه نیز باید با این تحولات همگام باشند. وی معتقد است که رعایت نکردن قواعد این رژیم حقوقی، همچنان به عنوان چالش اصلی در اجرای قواعد مزبور به شمار می‌آید. با این وجود، شاید بتوان گفت که تعهد مندرج در ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو، به رغم تحولات گونه‌گون در چهره نبردها و مخاصمات مسلحانه، همواره بر تارک حقوق بشردوستانه قرار داشته است.^۲ ماده یک مشترک می‌گوید: «دولت‌های طرف معاهده به رعایت و تضمین رعایت کنوانسیون [های] حاضر در همه اوضاع و احوال متعهد می‌شوند». در واقع، ایده آرمانی حرکت جامعه بین‌المللی به سوی نهادین کردن اصول بشردوستانه سبب شد که

۱. کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ در بطن خود اصولی را به وجود آورده که اصل رضایت (Free Consent)، وفای به عهد (Pacta Sunt Servanda) و حسن نیت (Good Faith) از آن جمله‌اند. ضمن این که مطابق ماده ۶۰ کنوانسیون، تعهداتی که از محتوای بشری برخوردار باشند، مشمول اقدامات متقابل به هنگام نقض مقرر معاهداتی قرار نمی‌گیرند. این‌ها همه نتایجی است که می‌تواند از دیدگاه حقوقی باری بر دولتی شود که تعهد به اجرای مفاد معاهده بین‌المللی را می‌پذیرد. در این خصوص ر.ک.

http://web.me.com/waltergehr/The_International_Law_of_treaties/Principles.html
۲. بنابراین، این پرسش به وجود می‌آید که پس از جنگ جهانی دوم و با پیدایش تغییرات اساسی در فرهنگ جنگ و ابزارها و شیوه‌های نبرد تا زمان حال، آیا همچنان حقوق موجود پاسخگوی موضوعات مطروحه در این زمینه هست؟ البته با یادآوری اینکه تفسیر کنوانسیون‌های چهارگانه به دهه ۵۰ میلادی و تفسیر پروتکل‌های الحاقی به دهه هشتاد میلادی یعنی اندکی پس از تصویب اسناد مزبور برمی‌گردد، ذکر این نکته ضروری است که تحولات علمی و عملی گسترده دهه‌های اخیر سبب گردیده که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) اقدام به راه‌اندازی یک پروژه عظیم به منظور به‌روزرسانی تفاسیر قدیمی بنماید. چنانکه Jean-Marie Henckaerts مشاور حقوقی و مدیر پروژه ضمن خاطرنشان ساختن ارزش و اهمیت بلامنامع تفسیر اصلی، (THE GENEVA CONVENTIONS OF 12 AUGUST 1949, COMMENTARY, published under the general editorship of Jean S. PICTET, 1952)، تحولات معاصرو نیز تعامل حقوق بشردوستانه با سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل نظیر حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق بشر در ارائه یک خوانش صحیح از اسناد را مورد تأکید قرار می‌دهد و جالب اینکه در کنار حوزه‌هایی نظیر حقوق اشغال، موضوع پژوهش حاضر یعنی ماده یک مشترک را دستخوش تحولات بسیار و در نتیجه نیازمند تفسیری به روز دانسته است. لازم به ذکر است که قرار است تفسیر کنوانسیون نخست در سال ۲۰۱۵ میلادی و سایر مجلدات در سال‌های متعاقب منتشر گردند. برای اطلاعات بیشتر نک.

<https://www.icrc.org/eng/resources/documents/interview/2012/geneva-conventions-commentaries-interview-2012-07-12.htm>; MC Bassiouni, (2008), "New Wars and the Crisis of Compliance With the Law of Armedby Non-State Actors", Journal of Criminal Law and Criminology, Vol. 98, 711-810.

نگارندگان کنوانسیون‌های ژنو با تدوین ماده یک مشترک مفهوم مسئولیت دسته‌جمعی دولت‌ها در جامعه بین‌المللی را عینیت بخشند. (باقرپور اردکانی، ۱۳۸۵: ۳۰۷)

این مقاله تلاش خواهد داشت تا شمول مفاد مقررۀ مورد بحث، جایگاه، لوازم و آثار آن را تبیین نموده و رویه دولت‌ها و بازیگران و گروه‌های غیردولتی را در این خصوص تشریح نماید؛ بنابراین، نوشتار حاضر شامل دو بخش خواهد بود. در ابتدا به بررسی محتوای قاعده بر اساس دکترین، رویۀ قضایی و عملکرد دولت‌ها در این زمینه خواهیم پرداخت و سپس ضمن برشمردن مصادیق این قاعده در نظام‌های داخلی به مطالعه موردی اقدامات برخی از کشورها و واکنش‌های جامعه بین‌المللی در این خصوص می‌پردازیم.

۲. تبیین قاعده رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه

حقوق بین‌الملل در مقایسه با حقوق داخلی از قدمت چندانی برخوردار نیست و به تبع این امر، از پایان قرن نوزدهم است که می‌توان ردپایی از اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق بشردوستانه مشاهده نمود؛ اگرچه گفته شده که بیشتر قواعد و اصول موجود در این حوزه پیش‌تر در عرف‌ها و آیین‌های مذهبی وجود داشته است. (Sassòli et la, 2011: 1) به همین دلیل و با عنایت به سهل و ممتنع بودن این حقوق، ماهیت شناسی آن نیازمند دقت بسیار است.^۱

۲-۱. هستی و چیستی قاعده «رعایت و تضمین رعایت»

ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل اول و سوم الحاقی اشعار می‌دارد: «دولت‌های طرف معاهده به رعایت و تضمین رعایت کنوانسیون [های] حاضر در همه اوضاع و احوال متعهد می‌شوند».^۲ بحث رعایت و تضمین به رعایت یا التزام به رعایت مقررات حقوق

۱. کما اینکه پس از واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا با ارائه تفاسیری یک طرفه افرادی را که در زمان مبارزه با تروریسم و عملیات تروریستی دستگیر می‌نمود واجد خصیصه رزمنده ندانسته و آن‌ها را خارج از شمول کنوانسیون سوم قلمداد می‌کرد. لازم به ذکر است که این مسئله اعتراض‌های بسیاری را حتی از سوی محاکم خود آمریکا برانگیخت. شهبازی، آرامش، (۱۳۸۷)، «چالش‌های مفهوم رزمنده در حقوق بشردوستانه بین‌المللی در عصر مبارزه با تروریسم»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان، صص. ۴۰-۲۸.

Hamdan v. Rumsfeld, (2006), "Supreme Court of the United States", June 29, No. 05, 71-72.

2. Common Article 1 to four Geneva Conventions and First Protocol Reads as Follow: "The High Contracting Parties Undertake to Respect and to Ensure Respect for the Present Convention [this Protocol] in all Circumstances" (Emphasis added).

مفسرین پروتکل اول الحاقی معتقدند که اگر چنین عبارتی در ماده یک پروتکل نیز قرار نمی‌گرفت، تعهد مزبور به قوت خود باقی بود. با این حال، در کنفرانس منتهی به تصویب پروتکل قرار بر این شد تا مقررۀ مزبور به عنوان یادآوری در این سند گنجانده شود. ر.ک.

Yves Sandoz et la, (1987), *Commentary on the Additional Protocols to the Geneva*

بشردوستانه مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ موضوعی است که سابقه‌ای همسان خود نداشته و صرفاً در برخی از کنوانسیون‌های مربوط به حقوق جنگ، مانند کنوانسیون‌های ۱۸۶۴، ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹^۱ مقرره کمابیش مشابهی درج گردیده است. با این حال در اسناد سابق بر این کنوانسیون، مسئولیت رعایت مقررات اسناد مزبور بر عهده فرمانده کل نیروهای مسلح قرار داده شده بود. مقررات ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه با قرار گرفتن در آغاز کنوانسیون‌های مزبور و عبارت‌پردازی عملیاتی آن قابل توجه است؛ چرا که این تعهد در ابتدا بر عهده خود دولت متعاقد و سپس بر عهده سایر دولت‌های متعاقد در خصوص رعایت مقررات کنوانسیون است. ایده اولیه در این خصوص این بود که تعهد به رعایت مقررات حقوق مربوط به مخاصمات مسلحانه صبغه رسمی تری به خود گرفته و مفری برای طرفین متعاقد برای ارائه تفسیرهای مختلف جهت عدم اجرای برخی یا تمام مقررات یک کنوانسیون فراهم نیاید. (Pictet et la, 1952: 24)

کار مطالعاتی ارزشمند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص حقوق عرفی بشردوستانه بین‌المللی که پس از سال‌ها تحقیق و با مشورت گروه‌های ملی در سال ۲۰۰۵ به سرانجام رسید، در شماره‌های ۱۳۹ و ۱۴۴ از قواعد عرفی خود، ضمن اشاره به شواهد مادی و معنوی جامعه بین‌المللی در خصوص تعهد مندرج در ماده یک مشترک، به این نتیجه رسیده که «رعایت یا اجرا و تضمین به رعایت یا اجرا» ی مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و اسناد مشابه مانند پروتکل‌های اول و سوم الحاقی از خصیصه عرفی بهره‌مند بود. در مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال است. (Rules of Customary International Humanitarian Law, at; http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_cha)

بدیهی است که محور چیستی این قاعده نیز اجرای مقررات حقوق بین‌الملل است؛ اجرایی که همواره از سوی منتقدان حقوق بین‌الملل به عنوان نقص و ناکارآمدی این رشته حقوقی تلقی شده است. با این حال، نکته قابل توجه در این میان خصوصیات هر نظام حقوقی است که به واسطه شرایط حاکم بر آن و بستری که در آن اعمال شود، موجب تمایز آن نظام از سایر نظام‌های حقوقی می‌شود. حقوق بین‌الملل در روزگار معاصر بر خلاف خاستگاه و ستفالیایی خویش، دارای نظامی دولت محور و اندیشه‌ای بشر محور است. همچنین به دلیل ویژگی‌های خاص این نظام از جمله اصل تساوی حاکمیت‌ها و اصل همکاری میان دولت‌ها، نظامی که سامان دهنده ضمانت اجرای قواعد این نظم حقوقی باشد، غیرمتمرکز بوده و با وجود اندیشه

Conventions, International Committee of Red Cross, para. 36-37.
1. Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded in Armies in the Field, Geneva, 1864; Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armies in the Field, Geneva, 1906; Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armies in the Field, Geneva, 1929.

بشرمحور، در عمل کماکان دولت‌ها خود واضح و درعین حال تابع این حقوق تلقی می‌گردند.^۱ بی‌گمان این ویژگی ذاتی نظم حقوقی بین‌المللی بر رژیم حقوقی قواعد بشردوستانه بین‌المللی نیز اثرگذار بوده است. به عنوان مثال، ماده ۶۰ کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹، تلافی^۲ نقض معاهداتی که از خصیصه بشردوستانه برخوردارند را مجاز نمی‌داند و ماده ۵۰ طرح مواد مسئولیت بین‌المللی دولت نیز با الگوبرداری از ماده مزبور، ضمن برشمردن مواردی که به هنگام نقض قاعده از سوی دولت متضرر مشمول اقدامات متقابل^۳ نمی‌شود، تعهدات بشردوستانه‌ای را یادآور می‌شود که اتخاذ تلافی را در زمان نقض منع کرده‌اند. (Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001: 132)

مقرره عیناً در ماده ۵۳ طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی نیز درج گردیده است. (Draft Articles on the Responsibility of International Organizations, in: Report of the International Law Commission, 2011: 63)

همچنین قاعده شماره ۱۴۰ مطالعه صلیب سرخ در خصوص حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی، ضمن توجه به تحولات معاهده‌ای و عرفی مزبور، بیان می‌نماید که «... تعهد به اجرا و تضمین اجرای حقوق بشردوستانه مشمول عمل متقابل^۴ دولت‌ها نخواهد بود» (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 498) با این وجود، گفته شده که حتی سازوکار عام حقوق بین‌الملل در جهت تضمین اجرا و ضمانت اجراهای نقض در حیطه حقوق بشردوستانه بین‌المللی به نسبت سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل از میزان کارآمدی کمتری برخوردار است؛ چه، پرواضح است که در مخاصمات مسلحانه این ناکارآمدی سازوکارها در ذات و بطن این واقعه وجود دارد. (Sassoli et al, 2011: 2)

مطابق تفسیر صلیب سرخ از ماده یک مشترک، تعهد تضمین رعایت نه فقط بر دوش طرف‌های درگیر مخاصمه‌که همه دولت‌ها مکلف هستند هر آنچه در توان دارند به کاربندند تا احترام به حقوق بشردوستانه بین‌المللی به گونه‌ای جهان‌شمول تضمین گردد.

۱. کسسه وجود اصولی هشت‌گانه را پایه و اساس نظام حقوق بین‌الملل به شمار می‌آورد که در آن همکاری دولت‌ها و تساوی مطلق آن‌ها مبنای‌ترین اصول به حساب می‌آیند. سایر اصول عبارت‌اند از منع توسل به زور، حل مسالمت‌آمیز اختلافات، حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، عدم مداخله در امور داخلی، احترام به حقوق بشر و حسن نیت. کسسه، آنتونیو، (۱۳۷۰)، *حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد*، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، صص. ۱۶۵ و ۱۸۶. البته برخی از این اصول مانند مداخله در امور داخلی کشورها در روزگار معاصر حقوق بین‌الملل، تغییر مفهومی و ماهوی بسیاری پیدا کرده است و در تقابل قواعدی از جنس حقوق بشر بیشتر از پیش محدود شده است. کما اینکه در عرصه حقوق بین‌الملل بشردوستانه امروزه دیگر نقض‌های شدید و مستمر حقوق بشردوستانه از سوی دولت‌ها موضوعی داخلی نبوده و جامعه بین‌المللی قادر است به طرق مختلف در این خصوص مداخله نماید. برای مطالعه بیشتر ر.ک.

Wolfrum, Rudiger and Felck, Dieter, (2008), "Enforcement of International Humanitarian Law", in: *The Handbook of International Humanitarian Law*, Dieter Felck (ed), 2nd ed., Oxford University Press, p. 586.

2. Reprisal

3. Countermeasures

4. Reciprocity

تفسیر مزبور توسط قطعنامه ۶۸۱ شورای امنیت ملل متحد در سال ۱۹۹۰ مورد تأکید قرار گرفته است. این قطعنامه به استناد ماده یک مشترک، دول طرف کنوانسیون چهارم ژنو را به تضمین رعایت تعهدات اسرائیل فرامی‌خواند. مجمع عمومی نیز چندین قطعنامه را با همین مضمون و اثر در خصوص همین مخاصمه تصویب نموده است. (A/RES/32/90, 1977) سایر نهادهای بین‌المللی نیز از جمله شورای اروپا، ناتو، اتحادیه آفریقایی و سازمان کشورهای آمریکایی، دولت‌های عضو خود را به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی فراخوانده‌اند. همچنین کنفرانس‌های بین‌المللی به کرات خواستار تضمین رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به قطعنامه ۲۳ کنفرانس حقوق بشر در تهران در سال ۱۹۶۸ اشاره نمود. (Human Rights in Armed Conflicts, 1968)

به شهادت اعلامیه نهایی کنفرانس بین‌المللی حمایت از قربانیان جنگی در سال ۱۹۹۳ (Final Declaration of the International Conference for the Protection of War Victims, 1993) شرکت کنندگان ضمن پذیرش همگامی با سازمان ملل متحد در جهت تضمین تبعیت کامل از حقوق بشردوستانه بین‌المللی در خصوص ژنوسید و سایر نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بر مسئولیت دووجهی خود (رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی) به موجب ماده یک مشترک صحنه نهادند. (http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_cha_chapter41_rule144) سازمان کشورهای آمریکایی در سال ۱۹۹۷ با تصویب قطعنامه‌ای درباره اجرای مقررات حقوق بشردوستانه از دولت‌های عضو می‌خواهد تا اقدامات لازم در خصوص اجرای مقررات حقوق بشردوستانه را در قالب همکاری نزدیک با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به انجام برسانند و مواردی چون قانون‌گذاری‌های مقتضی و تشکیل کمیسیون‌های مشورتی ملی را در این خصوص مد نظر قرار دهند. (Resolution Adopted at the Seventh Plenary Session of the General Assembly of the Organization of American States, 1997: 3-4) در نظام حقوقی اتحادیه اروپا نیز در سال ۲۰۰۵ مجموعه اصول راهنمایی در زمینه ترویج اجرای حقوق بشردوستانه به تصویب رسیده که در آن ضمن تعهد به اجرای موازین حقوق بشردوستانه از سوی اعضای اتحادیه، به موضوع قابلیت اعمال این قواعد بر موجودیت‌های غیردولتی و همین‌طور مشکلات ناشی از نقض‌ها و خسارات وارده پس از پایان جنگ اشاره و از این‌رو، توجه به اجرای حقوق بشردوستانه امری دارای منافع سیاسی و بشردوستانه قلمداد می‌شود.

(European Union Guidelines on promoting compliance with international humanitarian law, 2005: 5)

۲-۲. قلمرو قاعده «رعایت و تضمین رعایت»

قلمرو ماده یک مشترک، گستره‌ای است به پهنه همه تعهدات مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو که امروزه اغلب آن‌ها از ویژگی عرفی نیز برخوردار شده است؛ اما این که مصادیق این تعهدات شامل چه مواردی است و شامل کدام دسته از مخاصمات می‌شود، موضوعاتی است که در این بند بدان می‌پردازیم.

در بادی امر لازم به ذکر است که در چارچوب این ماده، مخاطب تعهد به رعایت حقوق بشردوستانه طرف‌های درگیر مخاصمه و مخاطب تضمین رعایت حقوق بشردوستانه هم طرف‌های درگیر در زمان مخاصمه و هم سایر دولت‌های عضو در زمان مخاصمه و نیز همه دولت‌های عضو در زمان صلح است. در تفسیر ماده یک کنوانسیون اول آمده که یکی از اشکال تعهد مندرج در ماده یک در قالب تصویب این اسناد از سوی دولت‌ها جلوه گرمی گردد. تضمین رعایت در این عبارت بدین معناست که دولت‌های متعاقد باید بر ارکان اجرایی و اداری مربوط در این خصوص نظارت داشته باشند و دستورات لازم را در این باب صادر نمایند. ضمن این که در زمان صلح، دولت‌های متعاقد باید اقدامات لازم را در مورد رعایت مقررات این اسناد از سوی نیروهای نظامی کشور در قالب آموزش انجام دهند. در غیر این صورت، دیگر دولت‌ها باید آن را در بازگشت به مسیر رعایت و تضمین رعایت مقررات مزبور ترغیب نمایند. عبارت «در همه حال» در ماده یک مشترک نیز ناظر به چند نکته است که در اینجا به بیان مختصر آن‌ها اکتفا می‌گردد: حتی وقتی که دشمن طرف کنوانسیون‌های ژنو نیست، علاوه بر زمان مخاصمه در زمان صلح، در مخاصمات داخلی نیز، صرف نظر از ضرورت نظامی و عمل متقابل و خاطی بودن کلیه کشورهای متعهد به مضمون ماده یک. (Focarelli, 2010: 157-164; Pictet et la, 1952: 25)

با این حال، برخی مفسران معتقدند از آنجایی که تعهدی بین‌المللی در این اسناد ذکر شده، این تعهد شامل جنگ‌های داخلی نمی‌شود، زیرا این سند میان دولت‌ها منعقد شده است. با این وجود بی تردید مقررات ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در این باب کمک کننده است و به لطف آن، طرف‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی باید این مقررات را رعایت کنند. بر همین مبنا، در جنگ‌های داخلی اسپانیا طرفین متعهد به رعایت مقررات کنوانسیون ۱۹۲۹ شدند. در واقع، عبارت «در همه شرایط» به این معناست که ماهیت و علت شروع مخاصمه اثری بر تعهد به رعایت و تضمین رعایت مقررات اسناد مزبور ندارد. (Pictet et la, 1952: 26)

رویه بین‌المللی نشان می‌دهد که تضمین رعایت مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی محدود به اجرای مقرر مندرج در ماده یک مورد بحث و ماده یک پروتکل الحاقی اول توسط

دولت‌های ثالث معاهدات مزبور نیست. کما اینکه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در جریان جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ از «همه» دولت‌ها و در واقع همه دول عضو جامعه بین‌المللی خواستار رعایت و تضمین رعایت مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی گشت.

(http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_cha_chapter41_rule144)

بنابراین، بی‌تردید در فضای امروز جامعه بین‌المللی، دولت‌ها نه تنها به واسطه تعهد معاهداتی بلکه به موجب تعهدی عرفی نیز به رعایت موازین حقوق بشردوستانه ملزم بوده و از این جهت مخاصمات بین‌المللی تحت پوشش این تعهدات قرار می‌گیرند. در مورد مخاصمات غیر بین‌المللی نیز می‌توان گفت که با استناد به رویه دولت‌ها در خصوص مراعات مقررات پروتکل الحاقی دوم که حتی عضو آن نبوده‌اند و با توجه به طبع مقررات بنیادین حقوق بشردوستانه که هدف آن‌ها حمایت از قربانیان جنگ است و همین‌طور مقرر ماده ۳ مشترک که به صورت عرفی بین‌المللی در آمده، به طور مسلم برخی محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های جاری در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از جمله محدودیت طرف‌های مخاصمه در نابود کردن دشمن، تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان و اهداف نظامی و غیرنظامی در پرتو اصول تناسب و ضرورت، در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی نیز قابل اعمال است. (ممتاز و رنجریان، ۱۳۸۶: ۱۶۴) موضوعی که کمیته صلیب سرخ نیز در مطالعه خود در پرتو رویه بین‌المللی و ملی دولت‌ها به عنوان قاعده‌ای عرفی بدان اذعان دارد که در ادامه بدان می‌پردازیم.

در این میان، نکته جالب توجه تفکیکی است که از سوی کمیته صلیب سرخ در مطالعه انجام شده در طرح حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی صورت گرفته است. با این توضیح که کمیته ذیل فصل ششم خود پیرامون اجرا،^۱ در قاعده شماره ۱۳۹ از موضوع رعایت و اجرای حقوق بشردوستانه^۲ و در قاعده شماره ۱۴۴ از موضوع تضمین رعایت و اجرای مقررات مذکور^۳ سخن به میان آورده است. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، هر دو قاعده به اعتقاد مطالعه انجام شده از سوی کمیته از خصیصه عرفی برخوردار بوده و در مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال هستند.

از محتوای مفاد و تفسیر کمیته چنین برمی‌آید که موضوع رعایت و تضمین اجرا منحصر به دولت یا گروه‌های غیردولتی متخاصم است که باید تمهیدات لازم را بر مبنای تعهدات خود در این زمینه در نظر بگیرند. قاعده ۱۳۹ اظهار می‌دارد: «هر دولت طرف مخاصمه باید مقررات

1. Implementation

2. Compliance with International Humanitarian Law (Respect for International Humanitarian Law)

3. Enforcement of International Humanitarian Law (Ensuring Respect for International Humanitarian Law)

حقوق بشردوستانه را رعایت کرده و اجرای آن‌ها را از سوی نیروهای نظامی یا سایر اشخاص و گروه‌هایی که در واقع بر مبنای دستورالعمل، هدایت یا کنترل آن دولت و عمل می‌کند، تضمین نماید». اما از یک منظر، ابزار اجرا و ارزشیابی قاعده ۱۳۹ در قاعده ۱۴۴ است. قاعده ۱۴۴ اشعار می‌دارد: «دولت‌ها نمی‌توانند به ترغیب طرف‌های درگیر در یک مخاصمه در خصوص نقض مقررات حقوق بشردوستانه دست بزنند، بلکه تا جایی که ممکن است می‌باید توان خود را برای توقف نقض‌های صورت گرفته مصروف دارند». بنابراین، دولت‌ها نه تنها از انجام کمک در زمان نقض مقررات حقوق بشردوستانه منع شده‌اند و در صورت ارتکاب چنین عملی دارای مسئولیت بین‌المللی خواهند بود، بلکه باید در قالب اقداماتی چون اعتراض دیپلماتیک و یا اقدامات دسته‌جمعی با استفاده از نیروی اثرگذاری خود بر روی دولت ناقض مقررات، تلاش نمایند تا مانع از ادامه نقض‌های مزبور شوند.

با عنایت به توضیحات فوق، به‌طور کلی راهکارهای اجرای مقررات مندرج در ماده یک را می‌توان به زمان صلح و زمان نقض مقررات حقوق بشردوستانه تقسیم‌بندی نمود. در دوران صلح که معمولاً پیش از وقوع درگیری مسلحانه است، عموماً دولت‌ها مکلف هستند که تدابیر لازم را در این خصوص به عمل بیاورند؛ چرا که در زمان صلح و عمدتاً از طریق آموزش نظامیان و حتی غیرنظامیان می‌توان به رعایت بهتر و بیشتر مقررات حقوق بشردوستانه دل بست. در این خصوص آموزش نظامیان نقش مهمی را ایفا می‌کند که از طریق تدوین و انتشار یکسان قواعد مورد نیاز برای نظامیان به هنگام نبرد در صحنه کارزار می‌توان بدین مقصود نائل شد. ضمن این که آموزش نیروهای پلیس به عنوان نیروهای اجرایی در حوزه مرزهای داخلی و نیروهای نظامی به عنوان رزمندگان در نبردهای بین‌المللی از اهمیت شایانی برخوردار است.^۱ البته این موضوع در نظام آموزشی دانشگاه‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد تا ضمن مطالعه قواعد از منظر آکادمیک به تدقیق در این مقررات و اجرای بهتر آن‌ها توجه شود. موضوع دیگر، انتشار مقررات لازم در این باره در جامعه مدنی است تا ضمن آگاهی نهادهای مزبور از مقررات مزبور و مراجع خاص متولی در مورد حقوق بشر و بشردوستانه، از این طریق قسمتی از بار آموزش جامعه بر عهده این نهادها قرار گیرد. ^۲ علی‌القاعده در صورت نیاز به ترجمه این مقررات حتی به زبان‌هایی جز زبان‌های رسمی یا محلی یک کشور نیز بایستی این اقدام صورت پذیرد. (Sassoli et al, 2011: 6-7) همچنین وجود مشاوران در دسترسی که بتوانند مساعدت‌های

1. Provided for Articles 47/48/127/144, Respectively, of the four Geneva Conventions, and in Article 83 of Protocol I, Rule 142. Instruction in International Humanitarian Law within Armed Forces, at: http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_cha_chapter40_rule142
 2. Four Geneva Conventions, Articles 47, 48, 127, 144; Additional Protocol I, Article 83; Rule 143. Dissemination of International Humanitarian Law among the Civilian Population, at: http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_cha_chapter40_rule143

حقوقی لازم را به فرماندهان نظامی انجام دهند،^۱ از جمله تعهداتی است که در حوزه قاعده رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه به عنوان قاعده‌ای عرفی مورد شناسایی قرار گرفته است.

نکته مهم دیگر در خصوص اقدامات زمان صلح، اقدام به قانون‌گذاری در خصوص گنجاندن مقرراتی پیرامون نحوه بهتر اجرای مقررات حقوق بشردوستانه، نظارت بر آن و همچنین جرم‌انگاری موارد نقض و در نظر گرفتن مجازات برای افراد خاطی در این زمینه است تا از این طریق به نحوی صحیح و مؤثر با بی‌کیفر ماندن مرتکبین جرائم جنگی، ژنوسید و یا جرائم علیه بشریت مقابله شود. (Sassoli et al, 2011: 8-9) بدیهی است که این موضوع با پیش‌بینی صلاحیت جهانی در قوانین کیفری کشورها حوزه وسیع‌تری را پوشش خواهد داد. در این خصوص توجه به مقررات مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند قابل توجه باشد. البته در کنار توجه به جنبه کیفری باید به وجه مدنی و جبران خسارت از قربانیان مخاصمات مسلحانه نیز توجه داشت و عدالت را در این زمینه نیز به اجرا درآورد.^۲

در این مسیر راهکارهای متنوع دیگری نیز پیش روی دولت‌ها وجود دارد که مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌ها عبارت‌اند از اعتراض دیپلماتیک^۳ و اقدامات جمعی^۴ که از طریق آن‌ها دولت‌های ثالث تا حد ممکن تلاش خود را برای اثرگذاری و خاتمه موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی بکار می‌بندند. لازم به ذکر است که رویه گسترده‌ای به‌ویژه طی دهه‌های اخیر در خصوص اعتراض دیپلماتیک از سوی دول ثالث نسبت به دول ناقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اعم از اینکه در مخاصمات بین‌المللی باشد و یا غیر آن، شکل گرفته است و اغلب این اعتراضات در قالب اعتراضات دیپلماتیک دو جانبه در محافل بین‌المللی یا از طریق قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی ابراز می‌گردد. راهکار اقدامات جمعی دولت‌ها در راستای تلاش برای تضمین رعایت مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی در اشکال مختلفی نظیر تصویب قطعنامه‌های نهادهای بین‌المللی، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی در موقعیت‌های خاص ایجاد محاکم کیفری ویژه، ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی، اعمال تحریم‌های بین‌المللی و فرستادن صلح‌بانان یا نیروهای اجرای صلح تجلی می‌یابد. در

1. Rule 141: Legal Advisers for Armed Forces, at: http://www.icrc.org/customaryihl/eng/docs/v1_cha_chapter40_rule141

۲. در این باره می‌توان به الگوی اصول راهنمای مجمع عمومی در خصوص جبران خسارت از افراد به دلیل نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه (Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, 2005) اشاره کرد.

3. Diplomatic Protest

4. Collective Measures

کنار موارد فوق باید افزود که تعهد دولت‌ها به برقراری صلاحیت جهانی بر مصادیق نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی و رسیدگی به جنایات جنگی و در صورت لزوم تعقیب متهمان نیز آشکارا انعکاسی از مشارکت دولت‌های ثالث در رعایت و تضمین رعایت را است. (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 512)

شایان توجه است زمانی که منازعه مسلحانه‌ای رخ دهد، بحث اجرای مقررات حقوق بین‌الملل به‌طور کلی و تعهد به رعایت حقوق بشردوستانه به‌طور خاص مطرح می‌گردد. بر این اساس و با توجه به اقدامات پیشینی که دولت در قلمرو سرزمینی و حوزه صلاحیتی خویش به انجام رسانیده، باید بر اقدامات انجام شده یا در حال انجام مأموران خود در عرصه نبرد نظارت داشته باشد. بدیهی است که دولت مزبور بایستی نیروهای حمایتگر را برای انجام وظایف محوله از جمله خدمات بشردوستانه تعیین نموده و اجازه فعالیت را بدان‌ها اعطا نماید. محاکم داخلی نیز در این میان می‌توانند نقش خود را با رسیدگی به شکایات صورت پذیرفته از سوی قربانیان نقض‌های صورت پذیرفته ایفا کنند و گاه با صدور احکامی مبنی بر اصلاح قوانین موجود و همین‌طور رسیدگی منصفانه بر اساس اصول دادرسی عادلانه درصدد اجرای عدالت برآیند. همچنین، دولت‌های درگیر می‌توانند در اثباتی مخاصمه یا پس از پایان آن، به اقتضای مورد، کمیته‌های تحقیقی را برای تعیین نقض‌های صورت گرفته و مسئولین و مرتکبین آن تشکیل دهند. (Sassoli et la, 2011: 11-13)

همچنین لازم به ذکر است که بررسی قصد نگارندگان ماده یک مورد بحث و نیز رویه متعاقب آن به خوبی نشان می‌دهد که احترام به مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مبنا و توجیهی برای توسل به زور به شمار آید؛ بنابراین روشن است که ابزارهای به کار رفته برای رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به جز در چارچوب قانونی شورای امنیت، بایستی کاملاً صلح‌آمیز باشد و توسل به زور نامشروع و خارج از دایره منشور، نمی‌تواند توجیه‌گر تلاش برای تضمین رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد.^۱ (Sassoli et la, 2011: 11-13)

اما از آنجاکه توجه جدی به مفهوم ماده یک به واقع از دهه ۹۰ آغاز شد و تا پیش از آن این مفهوم در رویه سازمان‌های بین‌المللی و آرای قضایی صرفاً تکرار می‌شد، طبیعی است که چالش‌های جدیدی در تفسیر و اجرای مسئولیت جمعی مندرج در این ماده و حدود و ثغور آن پدید آمده باشد. از جمله نکات حائز اهمیت این است که رویه قضایی بین‌المللی در کنار

۱. همچنان که ماده ۸۹ پروتکل اول ۱۹۷۷ بیان می‌دارد که عملکرد دولت‌ها در موارد نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو، همکاری با سازمان ملل متحد در انطباق با منشور ملل متحد است. همچنین ماده ۳۱ پروتکل دوم نیز مقرره مشابهی را در خود گنجانیده است.

دکترین، از ماده یک مشترک تفسیر موسعی داشته و دامنه اعمال آن را در گسترده‌ترین فروض ممکن محسوب نموده‌اند. شاهد مثال این ادعا آرای دیوان بین‌المللی دادگستری من جمله بیانات دیوان خطاب به ارکان مختلف سازمان ملل و کلیه دولت‌ها در رأی دیوار حائل است. (Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 2004:163) همچنین دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ با در نظر گرفتن معیار کنترل کلی برای انتساب اعمال مجرمین به دولت، صرف فرماندهی و کنترل را موجد مسئولیت می‌داند و در نتیجه به موجب تعهد تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، دولت‌های ثالث بایستی از هرگونه یاری‌رسانی ولو به صورت کلی به دولت ناقض امتناع ورزند. (Prosecutor v. Duško Tadic, 1999: 117)

این در حالی است که برخی حقوق‌دانان بنام نظیر هیگینز از جمله به استناد اقدامات مقدماتی نگارش کنوانسیون، ایراداتی را به این تفسیر موسع وارد نموده‌اند که شرح آن از حوصله این بحث خارج است.^۱ بدیهی است که این مسائل در مقام اجرا هم از سوی دولت‌های ثالث و هم از سوی محاکم مربوطه می‌تواند چالش‌های بسیاری را سبب گردد. در حقیقت، شاید امروز مفاد و قلمرو تئوریک ماده یک مشترک - که ماهیتی شبه اساسی یافته است - پس از مباحثات بسیار تا حد زیادی روشن شده باشد، اما چالش‌های بسیار در مصادیق باقی است که اختلاف نظر کشورها بر روی آن می‌تواند تنش‌های احتمالی را دامن زند.

۲-۳. جایگاه قاعده «رعایت و تضمین رعایت» در حقوق بین‌الملل معاصر

مطابق آنچه گفته شد، امروزه بی‌تردید نقض ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو از سوی کشورهای متعاقد می‌تواند منجر به طرح مسئولیت آنان در قبال خسارات وارد بر سایر دولت‌های زیان دیده و حتی ثالث و نیز افراد قربانی شود. لازم به یادآوری است که قاعده مندرج در ماده یک دارای هویتی فراتر از ماهیت قراردادی و معاهداتی صرف است. زمانی که دولت نیکاراگوئه مدعی بود که ایالات متحده آمریکا به نیروهای کنتررا در این سرزمین مساعدت می‌نماید، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی نیکاراگوئه ۱۹۸۶ اعلام نمود که «تعهد به رعایت و تضمین رعایت، نه تنها از خود کنوانسیون‌های ژنو، بلکه از اصول کلی حقوق بشردوستانه ناشی می‌شود که کنوانسیون‌های مزبور صرفاً بیان خاصی از آن‌ها بوده‌اند.» (Military

1. See Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion), (2004), ICJ Reports, Separate Opinion of Judge Kooijmans, para. 46 et seq and Separate Opinion of Judge Higgins, para. 39 et seq.

برای مطالعه بیشتر نک. باقرپور اردکانی، عباس، (۱۳۸۵)، «تعهد عام دولت‌ها به رعایت و کسب اطمینان از رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط متخاصمین»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره ۲، صص ۳۴۱-۳۳۷.

and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986: 220) بنا بر این، دولت آمریکا نایستی نیروهای کنترا در نیکاراگوئه را از کمک خود بهره‌مند ساخته، بلکه باید آن‌ها را به عنوان عضو کنوانسیون‌ها به رعایت مقررات حقوق بشر دوستانه ترغیب نماید. چنانکه ملاحظه می‌شود، مطابق تفسیر دیوان، دامنه قاعده رعایت و تضمین رعایت تنها منحصر به اطراف معاهدات مربوطه محدود نیست. همچنین در قضیه دیوار حائل ۲۰۰۴، دیوان بر این باور است که دولت طرف کنوانسیون، صرف نظر از طرفیت یا بی طرفی در مخاصمه، متعهد است که رعایت شرایط و الزامات این سند را تضمین نماید. بعلاوه، به زعم دیوان دولت‌ها ملزم به عدم شناسایی وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی و نیز عدم کمک‌رسانی به اسرائیل در حفظ این وضعیت هستند. (وکیل، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

در حقوق بین‌الملل معاصر بخش عمده محتوای ماده یک مشترک، به واسطه اسناد معاهداتی مذکور، عرف بین‌المللی و منبعث از اصول کلی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، واجد خصیصه تعهدات Erga Omnes است.^۱ (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 509) بررسی آرای قضایی بین‌المللی به ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می‌دهد که از میان قواعد حقوق بشر دوستانه عرفی، بسیاری اصول از اقتدار خاصی بهره‌مند هستند. (دوپویی، ۱۳۸۴: ۲۳۸) در رأی مشورتی مشروعیت تهدید یا به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶، دیوان به صراحت وجود «اصول عمده اساسی موجود در متون پایه حقوق بشر دوستانه» را تأیید نمود و به بیان مصادیقی از آن نظیر حفاظت از جمعیت و اموال غیرنظامی، تفکیک نظامیان و غیرنظامیان، ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های فاقد قدرت تفکیک، منع ایجاد درد و رنج زائد برای نظامیان پرداخت. به تصریح دیوان، اصول مزبور برای تمام دولت‌ها اعم از تصویب کننده معاهدات و

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی معروف بارسلونا تراکشن برای نخستین بار موضوع تعهدات یک دولت در برابر جامعه بین‌المللی را مطرح ساخت و اشاره داشت که دولت‌های جامعه بین‌المللی می‌توانند در قبال نقض تعهداتی که از این ویژگی برخوردارند، منفعت حقوقی خود را به طرق مقتضی مطالبه نمایند.

Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited, (Belgium v. Spain), (1970), ICJ Reports, para. 34.

دیوان به فراخور قضایای مطروحه به قواعدی چون حق تعیین سرنوشت در قضیه تیمور شرقی، ممنوعیت ارتکاب ژنوسید در بحث اعتراضات مقدماتی یوگسلاوی در قضیه بوسنی علیه یوگسلاوی در خصوص کنوانسیون ژنوسید، ممنوعیت اقدامات تجاوزکارانه در قضیه فعالیت‌های نظامی اوگاندا در سرزمین کنگو، حق تعیین سرنوشت در دیوار حائل و به طور مشخص به برخی اصول حقوق بشر دوستانه به عنوان تعهد Erga Omnes اشاره می‌کند.

East Timor (Portugal v. Australia) I.C.J. Reports 1995, para. 29; Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia), Preliminary Objections, Judgment, ICJ Reports, 1996, para. 31; Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo/Rwanda) ICJ Reports, 2006, para. 64; Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion), (2004), ICJ Reports, paras. 155, 159.

غیر آن‌ها الزام‌آور است؛ زیرا اصولی از حقوق عرفی است که «به طور مطلق غیر قابل تخطی»^۱ هستند. (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996: 78 et seq) در حقیقت دیوان در آرای مهم خود در قضایای سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶) و نیز نیکاراگوئه (۱۹۸۶) اهمیت مضاعف این اصول کلی بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی را خاطر نشان ساخته و جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که قواعدی والا در حقوق بشردوستانه وجود دارند که جایگاه برتر خود را مدیون اهمیت اولیه و ارزش ذاتی خود هستند. آنچه به طور یقین ذیل اصول مذکور قرار می‌گیرد عبارت است از اصول حقوق بشردوستانه که کنوانسیون هشتم ۱۹۰۷ لاهه مرکب از آن است، قسمت اعظمی از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به ویژه ماده ۳ مشترک و نیز اصول پایه حقوق بشردوستانه مانند اصل تفکیک (Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986, paras. 115, 215) البته به دلیل اینکه دامنه شمول اصول و قوانین بنیادین مورد بحث چندان دقیق نیست، نمی‌توان فهرست کاملی از آن‌ها ارائه نمود. در حقیقت «اگرچه یک هسته سخت اصول آمره حقوق بشردوستانه بی‌تردید وجود دارد ... ولی مشکل است که جوانب و حدود آن‌ها به دقت مشخص شود. از طریق استفاده از آرای قضایی آینده دیوان بین‌المللی دادگستری و بیش از آن آرای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است که کاستی‌های فعلی برطرف خواهد شد». (دوبویی، ۱۳۸۴: ۲۴۳-۲۴۲)

حال با توجه مجدد به محتوای ماده یک مشترک - که در واقع ارجاعی به همه مقررات کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مربوطه است - می‌توان گفت که این ماده دارای ماهیتی چندگانه است. با این توضیح که - چنان که گفته شد - گستره قاعده رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه به وسعت تمامی قواعد بشردوستانه است و همین امر سبب می‌گردد که ماهیت مقررات بشردوستانه مزبور به اجزای ماده یک نیز تسری یابد. در واقع آنجا که قاعده رعایت یا تضمین رعایت مندرج در ماده یک به نقض تعهدی آمره و یا Erga Omnes در حقوق بشردوستانه مرتبط است، این بخش از قاعده ماده یک نیز همان ماهیت را می‌یابد؛ البته - چنانکه گفته شد - بخش اعظمی از مقررات این نظام حقوقی دارای چنین ماهیتی است.

در قرار اقدامات موقت دیوان در قضیه بوسنی هرزگوین علیه یوگسلاوی در سال ۱۹۹۳ نیز دیوان، یوگسلاوی را ملزم به تضمین این دانست که نیروهای تحت هدایت این کشور اقداماتی از نوع ژنوسید را مرتکب نشوند. (Application of the Genocide Convention, 1993: 52) همچنین، در قرار موقت صادره دیوان در اختلاف فعالیت‌های نظامی میان کنگو و اوگاندا، از طرفین خواسته شده تا رعایت و تضمین به رعایت مقررات حقوق بشردوستانه را مد نظر قرار

دهند. (Armed Activities on the Territory of the DRC, 2000: 47)

اما یافته مهم بین‌المللی در این باره در دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق صادر شده است. دادگاه مزبور در آرای فرونزيجا در سال ۱۹۹۸ و کوپرسکیچ در سال ۲۰۰۰ بر این اعتقاد است که هنجارهای حقوق بشردوستانه مربوطه، عبارت از الزام به جلوگیری و منع و مجازات شکنجه، نه تنها واجد جنبه عرفی بلکه دارای بعد Erga Omnes هستند و از این رو، همه دولت‌ها منفعته حقوقی در رعایت آن‌ها داشته و به لحاظ حقوقی می‌توانند اجرای آن را از دولت‌های ناقض تعهدات مزبور مطالبه نمایند. (Furundzija, 1998: 151; Kupreskic, 2000: 519)

کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۶، ضمن مطالعه موضوع چندپارگی حقوق بین‌الملل، در نتایج پایانی ارائه شده از سوی گزارشگر طرح اعلام کرد گرچه با قیاس با نظام‌های حقوق داخلی نمی‌توان وجود سلسله‌مراتب در میان منابع حقوق بین‌الملل را پذیرفت، اما این نکته را نیز نباید از یاد برد که برخی قواعد حقوق بین‌الملل از چنان اهمیتی برخوردارند که با جایگاه و یا وضعیت متعالی‌تر خود در نظم حقوقی بین‌المللی، سلسله‌مراتبی نامرئی را در میان منابع این حقوق درمی‌اندازند.^۱ نکته جالب توجه این که گزارشگر کمیسیون، آقای مارتی کاسکنمی، ماده یک مشترک کنوانسیون‌ها را مصداقی از تعهدات Erga Omnes می‌داند. (Conclusions of the Work of the Study Group on the Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, 2006: 31 et seq.)

بخش دوم از بند اول ماده ۴۸ طرح مواد مسئولیت دولت اشعار می‌دارد که «هر دولتی غیر از دولت زیان‌دیده از نقض قاعده می‌تواند به نقض آن استناد کند، در صورتی که تعهد نقض شده متعلق به جامعه بین‌المللی در کل باشد». در بند دوم همین ماده، گزینه‌های پیش روی دولت‌هایی آمده است که مستقیماً از نقض قاعده متضرر نشده‌اند. درخواست پایان بخشیدن به نقض و اطمینان دادن و تضمین این که نقض مزبور تکرار نخواهد شد و انجام تعهد به جبران خسارت از دولت زیان‌دیده و ذی‌نفعان قاعده نقض شده از جمله این گزینه‌ها است. (Draft Articles on Responsibility of States, 2001: Art. 48)

خصوصاً، قطعنامه‌ای را در اجلاس سال ۲۰۰۵ خویش در خصوص تعهدات Erga Omnes صادر کرده است که در بند مربوطه به تکرار مفاد بند دوم ماده ۴۸ مذکور می‌پردازد.^۲ (Institut

۱. در این خصوص کمیسیون به قواعد آمره، ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد و تعهدات Erga Omnes اشاره می‌کند و معتقد است که این قواعد در قالب هنجارهایی نظیر ملاحظات اولیه انسانی (Elementary Considerations of Humanity) و اصول غیر قابل تخطی حقوق بین‌الملل (Intransgressible Principles of International Law) نمایان می‌شوند.

۲. به نظر می‌رسد مخبر مؤسسه، آقای جورجیو گایا، نتایج نقض قاعده آمره را به اشتباه بر تعهدات Erga Omnes بار کرده است. در واقع، طرح مواد مسئولیت دولت در بخش دوم که به محتوای مسئولیت بین‌المللی دولت می‌پردازد، موضوع

de droit international, 2005 : Art. 5)

بنابراین امروزه در حقوق بین‌الملل عرفی، بخش اعظم مفاد ماده یک مشترک به عنوان تعهد *Erga Omnes* به رسمیت شناخته شده است.^۱ در واقع به لحاظ عرفی، قاعده مندرج در ماده یک مشترک به لطف ماهیت اکثر قریب به اتفاق مقررات حقوق بشردوستانه، دریچه‌ای برای ورود به تارک سلسله‌مراتب قواعد حقوق بین‌الملل یافته است. (Conclusions of the Work of the Study Group on the Fragmentation of International Law, 2006: 38-39; Institut de droit international, 1: 2005) همچنین از منظر حقوق بین‌الملل معاهداتی، همه مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی مندرج در اسناد حاوی ماده یک مشترک، ماهیت همه‌جانبه و به تعبیری *Erga Omnes* دارند.^۲

۳. تعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه در عمل

دستاورد ارزشمندی که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۰۵ به شکلی منسجم در قالب قواعد عرفی ارائه نمود و سالانه نیز به روز رسانی رویه‌های دولت‌ها در بخش‌های مختلف مانند قانون‌گذاری، رویه قضایی داخلی و بین‌المللی، اسناد مصوب کنفرانس‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و غیر بین‌المللی مربوطه را در دستور کار خود قرار می‌دهد، ما را با انبوهی از منابع قابل استفاده به ویژه در عرصه تضمین اجرای حقوق بشردوستانه رو به رو می‌سازد.^۳ یکی از حقوقدانان برجسته بین‌المللی در زمینه حقوق بشردوستانه، اجرای حقوق بشردوستانه را در سه بخش تقسیم‌بندی می‌کند: (۱) اقدامات پیشگیرانه (۲) رعایت و تضمین رعایت دوران بروز مخاصمه مسلحانه (۳) اقدامات مربوطه به سرکوب نقض‌های صورت گرفته. (Sassòli, 2007: 46) در اینجا تلاش شده است تا با محوریت بخشیدن به وجود یا عدم وجود مخاصمه، اجرا و تضمین اجرای مقررات حقوق بشردوستانه را بررسی کنیم.^۴

نقض‌های شدید تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل را مطرح می‌کند، درحالی‌که بحث استناد به تعهدات *Erga Omnes* از سوی دولت‌های زیان‌دیده غیرمستقیم از نقض قاعده، در بخش چهارم ذیل اجرای مسئولیت آمده است. (Draft Articles on Responsibility of States, (2001), Arts. 41 et seq.)

1. *Erga Omnes Obligations*

2. *Erga Omnes Partes*

۳. برای نمونه به آخرین به‌روزرسانی کمیته در زمینه‌هایی چون اصل تفکیک، کاربرد برخی از سلاح‌ها و رژیم نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه از ۲۷ کشور جهان به اینجا مراجعه کنید:

ICRC database on customary international humanitarian law: new update, at: <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/news-release/2011/international-humanitarian-law-news-2011-11-18.htm>; See Henckaerts and Louise Doswald-Beck, *Customary International Humanitarian Law*, Vol. II: Practice, Cambridge University Press, 2005.

۴. لازم به ذکر است که مبنای این تقسیم‌بندی، نظر برخی حقوقدانان نظیر ایو ساندوز است که معتقدند ابزارهای اجرای حقوق بشردوستانه ذیل سه بخش قرار می‌گیرند: (۱) ابزارهای بازدارنده (پیشگیرانه) (۲) ابزارهای کنترل (۳) ابزار مقابله. نک. ساندوز، ایو، (۱۳۹۰)، «اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، در: *حقوق بشردوستانه بین‌المللی*، تألیف و ترجمه حسین

۳-۱. اقدامات پیشگیرانه و کیفردهی: خارج از مخاصمه

در این بند با استفاده از منابع موجود از جمله کتاب‌های راهنمای نظامی کشورها که منعکس کننده عملکرد آن‌ها در زمینه اجرای حقوق بین‌الملل است و همین‌طور، قانون‌گذاری‌های مربوطه از جمله جرم‌انگاری جرائم جنگی یا اعطای صلاحیت جهانی برای مجازات مرتکبین جرائم جنگی و جرائم مرتبط با آن‌ها به فعالیت‌های کلیه کشورها، اعم از طرفین مخاصمه و سایر دولت‌ها، در زمان صلح می‌پردازیم.

در حیطه آموزش باید به دو گروه نظامیان و غیرنظامیان توجه داشته باشیم. معمولاً آموزش نظامیان از طریق قرار دادن کتابچه‌های راهنمای نظامی در دسترس نظامیان صورت می‌گیرد و نیز دولت‌ها متعهد به صدور فرمان‌ها و دستورالعمل‌های لازم در این زمینه هستند. (Pfanner, 2009: 279) در این خصوص می‌توان به کتابچه‌های راهنمای صادره برای نظامیان بلژیک و آرژانتین اشاره داشت که در آن‌ها بر الزام نیروهای نظامی به رعایت و اجرای مقررات حقوق بشردوستانه در جنگ تأکید شده است. (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 3158-3159) همچنین آموزش عموم مردم و انتشار مقررات لازم معمولاً از سوی نهادهای صلیب سرخ یا هلال احمر در کشورهای مختلف و به صورت تبلیغات، چاپ بروشور، ترجمه قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی و همین‌طور برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی صورت می‌پذیرد. انتشار مقررات حقوق بشردوستانه، ضمن این که در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الحاقی مدنظر قرار گرفته، به عنوان اصلی عرفی نیز از سوی کمیته صلیب سرخ شناخته شده است. (Dissemination of International Humanitarian Law among the Civilian Population, at: http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_cha_chapter40 علاوه بر این، بخشی از این آموزش در حوزه آکادمیک و در دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌های پلیس و نیروی انتظامی، جهت تربیت افراد متخصص و پرورش زمینه‌های اجرای حقوق مزبور مورد توجه است. (Sassoli et la, 2011: 11-13; Pfanner, 2009: 281)

قانون‌گذاری نیز به عنوان وجه مکمل تضمین اجرای حقوق در عرصه نظام‌های داخلی به شمار رفته و عموماً در قالب جرم‌انگاری جرائم جنگی، اعطای صلاحیت جهانی به محاکم داخلی و جبران خسارت از قربانیان مخاصمات مسلحانه است. قانون‌گذاری در نظام حقوقی دولت‌هایی که مقررات حقوق بشردوستانه را «خوداجرا» نمی‌دانند، امری ضروری است تا از طریق تصویب پارلمان یا مجاری مشابه وارد نظام حقوقی گردد. در این زمینه می‌توان به قاعده ۱۵۷ مطالعه کمیته صلیب سرخ اشاره داشت که در آن حق هر دولتی است که صلاحیت

رسیدگی به جرائم جنگی را در قالب صلاحیت جهانی به محاکم خود اعطا کند.

(1st Geneva Convention, Art. 49; 2nd Geneva Convention, Art. 50; 3rd Geneva Convention, Art. 129; 4th Geneva Convention, Art. 146; Additional Protocol I, Art. 85(1); Rule 157: Jurisdiction over War Crimes, at: http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_cha_chapter44_rule157)

در این خصوص، به عنوان نمونه می‌توان به قانون‌گذاری جنجال‌برانگیز بلژیک در ۱۹۹۳ اشاره داشت که به واسطه اعطای صلاحیت موسع به محاکم خود در خصوص تعقیب و رسیدگی به جرائم مرتکبینه که حتی در صلاحیت سرزمینی این کشور قرار ندارند، بدعتی را پایه‌گذاری کرد که البته در نهایت با طرح مشکلات فراوان اجرایی در وهله عمل برای محاکم و نیز اعتراضات برخی دولت‌ها، بلژیک در سال ۱۹۹۹ اصلاحات عمده‌ای را در قوانین کیفری خویش در این مورد به وجود آورد. (رنجریان، ۱۶۰: ۱۳۸۱) صدور رأی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه حکم جلب یروودیا، وزیر امور خارجه کنگو، مؤید این موضوع است. (Arrest Warrant of 11 April 2000, 2001: 65 et seq.) از طرف دیگر، مجازات مرتکبینه که از علائم و نشان‌های تفکیک‌کننده سوءاستفاده‌می‌کنند^۱ نیز باید در قانون‌گذاری‌ها در سطح نظم‌های داخلی مطمح نظر قرار گیرد. در کنوانسیون اول (مواد ۵۴-۵۳) و دوم (مواد ۴۵-۴۳) ژنو این موضوع بر عهده دولت‌ها گذارده شده است.

موضوع قابل ذکر دیگر در عرصه قانون‌گذاری، توجه به جبران خسارت از قربانیانی است که در طول مخاصمات مسلحانه آسیب دیده‌اند. در این زمینه، کنوانسیون‌های ژنو و اصول راهنمای مجمع عمومی در خصوص جبران خسارت از افراد زیان‌دیده به واسطه نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از دولت‌ها می‌خواهند تا اقدامات لازم را در این زمینه در قوانین داخلی خود اتخاذ نموده و دسترسی زیان‌دیدگان مربوطه به عدالت را میسر سازند.

(1st Geneva Convention, Art. 51; 2nd Geneva Convention, Art. 52; 3rd Geneva Convention, Art. 131; 4th Geneva Convention, Art. 148; Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims, 2005: 12-15.)

در این خصوص می‌توان به اقدامات صورت گرفته از سوی دولت‌هایی چون ایالات متحده آمریکا اشاره نمود که امکان جبران خسارت از نقض‌های حقوق بین‌الملل و به طور خاص حقوق بشردوستانه را در قوانین داخلی خود پیش‌بینی کرده‌اند. بر اساس قانون شبه‌جرم بیگانگان، محاکم بخش آمریکا صلاحیت رسیدگی به موارد نقض حقوق بین‌الملل و معاهداتی که این دولت بدان‌ها پیوسته را دارا می‌باشند.^۲

1. Misuse of the emblem and distinctive signs

2. For more information see: <http://www.ca11.uscourts.gov/opinions/ops/200916246.apdx.pdf>

۳-۲. اقدامات کنترل کننده: حین مخاصمه

بنا به گزارش کمیته صلیب سرخ، رویه دولت‌ها در خصوص رعایت و تضمین رعایت قواعد حقوق بشردوستانه نشان‌گر این موضوع است که با توجه به ماهیت عرفی مفاد ماده یک - که شرح آن گذشت - حتی زمانی که طرفین مخاصمه عضو کنوانسیون‌ها یا پروتکل‌های الحاقی مزبور نبوده‌اند، به واسطه درخواست کمیته صلیب سرخ به رعایت مفادی پایبند شده‌اند که علی‌القاعده الزامی حقوقی بدان‌ها نداشتند. نمونه این امر در جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ و همین‌طور مخاصمه میان رودزیا و زیمباوه در ۱۹۷۹ قابل ملاحظه است. (http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_cha_chapter41_rule144) در طول سایر مخاصمات عمدتاً داخلی رخ داده پس از جنگ جهانی دوم نیز به فراخور وضعیت پیش‌رو، فعالیت‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین، سازمان‌های غیردولتی نظیر صلیب سرخ جالب توجه است. در سال ۱۹۷۷ و در منازعه سرزمین فلسطین اشغالی، مجمع عمومی سازمان ملل، ضمن قابل اعمال دانستن کنوانسیون چهارم ژنو بر سرزمین‌های اشغالی مزبور، از طرفین می‌خواهد تا رعایت و تضمین رعایت مقررات مزبور را مطمح نظر قرار دهند. (A/RES/32/90) (4: 1977) این موضوع در قطعنامه‌های متعدد دیگر مجمع عمومی نیز تکرار شده است. کمیسیون سابق حقوق بشر نیز ضمن محکومیت نقض‌های انجام شده از سوی اسرائیل در سرزمین فلسطین، از همه دولت‌ها می‌خواهد تا در راستای تضمین رعایت و رعایت حقوق بشردوستانه به‌ویژه مقررات مندرج در کنوانسیون چهارم از اسرائیل بخواهند به نقض‌های فاحشی چون کشتار و بازداشت‌های غیرانسانی زنان و کودکان خاتمه دهد.^۱ (Res. 2005/7, 2005: 5)

حال به بررسی پاسخ این پرسش می‌پردازیم که محدوده اقدامات انجام شده از سوی دولت‌های ثالثی که شاهد نقض فاحش مقررات حقوق بشردوستانه و حقوق بشر از سوی یکی از طرف‌ها یا اطراف مخاصمه مسلحانه هستند و برای پایان دادن به نقض‌های مزبور چاره‌ای جز مداخله نظامی نمی‌بینند تا کجاست. همان‌طور که پیش از این نیز بدین موضوع اشاره شد، با توجه به طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت، قطعنامه مؤسسه حقوق بین‌الملل در مورد نتایج نقض تعهدات Erga Omnes و نیز بر اساس اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، نمی‌توان مجوزی برای اقدامات خودسرانه جهت پایان دادن به نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه قائل گردید؛ چرا که این امر منجر به هرج و مرج در عرصه روابط و حقوق

۱. برای مشاهده انبوهی از اسناد موجود در این زمینه به مطالعه اخیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ر.ک.

بین‌الملل و نیز تزلزل مقررات موجود در خصوص تناسب و ضرورت خواهد شد.^۱ به هر حال، اگر چه مطابق تئوری «مسئولیت حمایت»^۲ در صورتی که دولتی قادر یا مایل به حمایت از اتباع خود در صلاحیت سرزمین خود نباشد و نقض‌های فاحش حقوق بشر و بشردوستانه در آن کشور در حال وقوع باشند، این وظیفه از دولت متبوع به جامعه بین‌المللی منتقل می‌گردد، (A/RES/60/1, 2005: 138) اما شرط اساسی عمل به این مسئولیت نیز انطباق با اصول منشور ملل متحد و نظارت شورای امنیت است؛ موضوعی که در قطعنامه مؤسسه حقوق بین‌الملل نیز بدان اشاره شده است و مطابق ماده ۵۱ منشور هر اقدامی که از سوی دولتی در مقام توسل به زور صورت می‌پذیرد باید بر اساس دفاع مشروع یا سیستم امنیت دسته‌جمعی و زیر نظر شورای امنیت باشد. (Greenwood, 2008: 2) بنابراین، این که دولت یا دسته‌ای از دولت‌ها و یا سازمانی منطقه‌ای بخواهند در مقام جلوگیری یا اختتام نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه وارد عمل شود و اقداماتی قهری به کاربندند، نقض قاعده آمره منع توسل به زور مندرج در بند چهارم از ماده ۲ منشور ملل متحد است و این خود نقض غرض است که بخواهیم به واسطه اقدامی قهری که مجوزی برای آن وجود ندارد، اقدام ناقض مقررات حقوق بشردوستانه را متوقف نماییم. ضمن این که تعهد به رعایت مقررات حقوق بشردوستانه نیز همواره بر گردن دولت‌ها یا سازمان‌های مداخله‌گراست و پرواضح است که نمی‌توان به بهانه پایان دادن به نقض‌های مزبور خود مرتکب نقض همان مقررات شد.

مطلب پایانی در این بند به طور خاص بر روی وقایع نسبتاً اخیر در کشور لیبی متمرکز است.

۱. بر این اساس هر دولت و یا سازمان بین‌المللی یا منطقه‌ای بر مبنای آستانه‌ای که جهت اقدام نظامی برای خاتمه بخشیدن به نقض مدنظر قرار می‌دهد، ممکن است اقداماتی را انجام دهد که از سوی سایر دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای موجه نباشد. بدیهی است که این موضوع آناژشی را به همراه خواهد داشت؛ زیرا دولت‌های دارای قدرت برتر نظامی به خود اجازه خواهند داد بر مبنای منافع سیاسی خود اقداماتی را در این خصوص انجام دهند؛ کما اینکه پس از سرنگونی دولت وقت هائیتی در اثر کودتایی نظامی در دهه ۱۹۸۰، دولت آمریکا به بهانه بازگرداندن دموکراسی به کشور مزبور حمله کرد و دولت کودتا را ساقط نمود. درحالی که در قبال فجایع در حال وقوع در رواندا در سال ۱۹۹۱ هیچ‌یک از دولت‌ها و حتی سازمان‌های بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل و ناتو اقدامی به موقع و مقتضی را در این خصوص به عمل نیاوردند. آقایی، قاسم، (۱۳۸۳)، «مداخله بشردوستانه: از ممنوعیت تا ضرورت»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱، تابستان، ص ۶۷.

2. Responsibility to Protect

تفاوت عمده مداخله بشردوستانه و مسئولیت حمایت در آن است که به موجب تئوری مسئولیت حمایت، «حق» دخالت در تئوری مداخله بشردوستانه به «تعهد»ی برای دولت‌ها مبدل گشت. به عبارت دیگر، درحالی که تا پیش از طرح تئوری مسئولیت حمایت صرفاً برخی از دولت‌ها که توانایی مقابله با نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را داشتند از «حق» مداخله برخوردار بودند، حال به موجب این تئوری همه دولت‌ها و نه فقط دولت‌های قادر متعهد شده‌اند پیرامون این نقض‌ها واکنش‌های مناسبی در قالب فردی یا جمعی نشان دهند. ر.ک.

José E. Alvarez, (2009), "The Schizophrenias of R2P", in: 2007 Hague Joint Conference on Contemporary Issues of International Law, Willem J.M. van Genugten, Michael P. Scharf, Sasha E. Radin (eds.), Cambridge University Press, p. 212.

در سال‌های اخیر جنبش‌هایی در کشورهای عربی شمال آفریقا نظیر تونس، لیبی و مصر سر برآورد که در این میان، وضعیت حاکم بر لیبی به گونه‌ای بوده که به‌ویژه با ورود نیروهای ناتو جای تردیدی در خصوص وجود مخاصمه مسلحانه میان دولت حاکم و شورشیان باقی‌مانده است.^۱ در این راستا، با عنایت به معیارهای ارائه شده توسط دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق،^۲ شدت نقض مقررات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در لیبی به حدی بود که واکنش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مربوطه از جمله سازمان ملل متحد را برانگیخت. بر همین اساس، شورای امنیت در ۲۵ فوریه سال ۲۰۱۱، بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد، طی قطعنامه ۱۹۷۰ که به تصویب ۱۵ عضو حاضر در آن رسید، مطابق بند دوم ماده ۱۳ اساسنامه رم، وضعیت این کشور را به دیوان بین‌المللی کیفری (دادستانی) ارجاع نمود. (SC Res. 1970, 4 et seq) 2011 بر مبنای عناصر ارائه شده از سوی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، توجه و نگرانی شورای امنیت از بحران جاری در لیبی، قرینه متقنی است بر شدت منازعاتی که میان دولت مرکزی و شورشیان وجود داشته است. به علاوه، ارجاع وضعیت توسط شورا به دیوان بین‌المللی کیفری نیز نشان‌دهنده ارتکاب جرائمی است که صرفاً در یک مخاصمه

۱. در خصوص وضعیت حاکم بر کشور لیبی - که در نهایت به کشته شدن رئیس‌جمهور این کشور و تغییر حکومت انجامید - باید خاطر نشان نمود که مخاصمه رخ داده در لیبی تا زمانی که نیروهای ناتو وارد عمل نشده بودند، از نوع مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی بوده است.

<http://www.hpcrresearch.org/blog/dustinlewis/2011-03-01/does-situation-libya-constitute-non-international-armed-conflict>

اما به‌طور کلی با ورود ناتو و تجویز شورای امنیت در این زمینه، عرصه مخاصمه داخلی به مخاصمه بین‌المللی تبدیل گردید و طبیعتاً این مسئله رعایت قواعد حقوق بشردوستانه از سوی کلیه طرف‌های درگیر یعنی دولت لیبی، مخالفان دولت و نیروهای ناتو را اقتضا داشت. پیش‌تر نیروهای ناتو در سال ۱۹۹۹ عملیات مشابهی را در خاک یوگسلاوی سابق و به نفع شورشیان انجام داده بودند. نک. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۶)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مخاصمات مسلحانه داخلی*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، صص ۹۶-۸۳ البته لازم به یادآوری است که -چنان‌که پیش‌تر در بند مربوط به قلمرو ماده یک گفته شد - نوع مخاصمه تأثیری در اجرای قاعده رعایت و تضمین رعایت مندرج در ماده یک مشترک و چگونگی آن ندارد که این امر اساساً به دلیل وجود قید «در همه شرایط» در این ماده است.

۲. بر اساس معیارهای ارائه شده در رأی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه بوشکاسکی در سال ۲۰۰۸، مخاصمه‌ای به عنوان یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی تلقی می‌گردد که از دو خصلت شدت و سازمان‌یافتگی نیروهای مخالف دولت برخوردار باشد. نک. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۶)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مخاصمات مسلحانه داخلی*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، صص. ۹۲-۸۳ شعبه دوم رسیدگی در قضیه بوشکاسکی معتقد است که عنصر شدت (Intensity) با توجه به معیارهایی نظیر شدت حملات، وسعت منطقه رزم و مدت زمان آن، افزایش نیروها و تحرکات دولت و همین‌طور، توزیع سلاح میان طرفین مخاصمه، این که آیا این مخاصمه نظر شورای امنیت سازمان ملل را جلب کرده و تاکنون قطعنامه‌ای در خصوص آن صادر شده است، شمار غیرنظامیانی که از منطقه گریخته‌اند و غیره می‌تواند احراز گردد. همچنین شعبه در خصوص عنصر سازمان‌یافتگی نیروهای مخالف دولت، بر پنج عنصر تأکید می‌کند: قرائنی دال بر وجود ساختار فرماندهی شده؛ اماراتی که نشان دهد گروه مزبور قادر به انجام عملیات نظامی سازمان یافته است؛ سطحی از آمایش در گروه و عملیات آن قابل مشاهده باشد؛ قرائنی که نشان دهد گروه از سطحی از توانایی رعایت مقررات حقوق بشردوستانه را دارا است؛ و این که صدای واحدی از گروه به گوش رسد. نک.

Prosecutor v. Boškoski et al., (2008), ICTY Reports, paras. 177, 199-203.

مسلحانه قابلیت ارتکاب را دارا است. همچنین شورای امنیت در قطعنامه ۱۹۷۰ دولت و مقامات لیبیی را ملزم نمود تا مقررات و موازین حقوق بشر و بشردوستانه را به موعده اجرا گذاشته و در این راستا، اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه و ناظران مربوطه را به سرزمین لیبیی صادر کنند. (2) (SC Res, 1970- 2011: 2) شورا اقدامات دیگری چون تحریم سلاح، انسداد دارایی‌ها و تحریم مسافرت برخی افراد و شرکت‌های لیبیی را نیز در دستور کار قرارداد و از همه دولت‌ها درخواست نمود تا در این مسیر همکاری‌های لازم را انجام دهند. علاوه بر این‌ها، کمیته تحریم‌های مجزایی در این خصوص تشکیل شد و شورا از دولت‌ها خواست تا کمک‌های بشردوستانه خود را از طریق نهادهای ذی‌ربط انجام دهند. (9 et seq) (SC Res, 1970- 2011: 9) شورای امنیت در قطعنامه بعدی ۱۹۷۳ نیز دولت لیبیی را موظف دانست که به تعهدات خود بر اساس حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشردوستانه گردن نهد. در این قطعنامه منطقه پرواز ممنوع نیز بر فراز کشور لیبیی به وجود آمد که نشان از وخامت منازعه در حال وقوع در این کشور میان نیروهای مخالف دولت و دولت مرکزی داشت. (3-6 et seq) (SC Res, 1973- 2011: 3-6) او کامپو، دادستان دیوان بین‌المللی کیفری، مطابق ماده ۱۵ «اساسنامه رم»، پس از جمع‌آوری ادله لازم، از دیوان «درخواستی» مبنی بر صدور قرار بازداشت معمر قذافی و پسرش، سیف الاسلام قذافی و همین‌طور، رئیس وزارت اطلاعات این کشور، عبدالله سنووسی، به اتهام ارتکاب جرائم علیه بشریت از اول فوریه ۲۰۱۱، تقدیم شعبه پیش‌محاکمه نمود. «دفتر دادستانی» ادله مستقیمی را از فرمان‌های صادره توسط شخص قذافی و همچنین پسرش، در خصوص سامان‌دهی استخدام مزدوران و ادله مستقیمی را در خصوص مشارکت سنووسی در خصوص حمله بر ضد تظاهرات کنندگان جمع‌آوری کرد. ضمن این‌که دفتر مزبور اسنادی را در خصوص نحوه تشکیل جلسه سه متهم فوق‌الذکر درباره طراحی عملیات نیز گردآوری نمود. دادستان خاطر نشان ساخت «جرائم واقع شده^۱ نه تنها علیه مردم لیبیی ارتکاب یافته، بلکه این جرائم، به طور کل، جرائم علیه بشریت قلمداد می‌شوند». دفتر دادستانی ادله‌ای مبنی بر ارتکاب جرائم جنگی از سوی طرفین متخاصم را نیز یافته‌که طی مخاصمه در حال جریانی که از پایان فوریه ۲۰۱۲ آغاز شده، ارتکاب یافته‌اند. دادستان تأکید کرد: در خصوص جرائم

۱. دادستان معتقد است که غیرنظامیان در خانه‌های خویش مورد حمله قرار می‌گرفتند. همچنین، سرکوب تظاهرات کنندگان به وسیله «مهمات حاوی مواد شیمیایی منفجر شونده»، استفاده از آتش توپخانه سنگین در مراسم تدفین کشته‌شدگان، حمله تک‌تیراندازها به افرادی که پس از مراسم نمازجماعت در حال ترک کردن مسجدها بودند، از جمله موارد انجام شده در این عملیات بوده است. از طرفی دیگر، ادله نشان می‌دهد که اذیت و آزار در مناطق تحت کنترل قذافی همچنان در حال وقوع بوده و نیروهای قذافی، لیستی از اسامی مخالفان تهیه کرده و بر اساس آن، اقدام به بازداشت، حبس، شکنجه و ناپدیدسازی افراد مزبور می‌نمودند.

۲. از جمله حمله علیه مردم آفریقایی صحرای جنوبی که به اشتباه مزدوران استخدامی قذافی تصور می‌شدند.

مزبور، هیچ بی کیفر ماندنی در سرزمین لیبی وجود نخواهد داشت. نکته دیگر این که دادستان از نیروهای مداخله گر هیچ درخواستی را مبنی بر اجرای قرارهای بازداشت صورت نداده و این را مسئولیت اولیه مقامات لیبی دانسته که سه متهم مزبور را تحویل دیوان بین المللی کیفری دهند. دادستان اظهار داشت اجرای این قرارها مؤثرترین راه برای حمایت از غیرنظامیان لیبیایی است.

(ICC-01/11, Pre-trial, Situation in Libya, at: <http://www.icc-cpi.int/Menu/ICC/Situations+and+Cases/Situations/ICC0111/Situation+Index.htm>)
بنابراین، شورای امنیت با صدور قطعنامه‌هایی ذیل فصل هفتم و اتخاذ تدابیر و اقداماتی الزام آور در این قالب، صریحاً وجود مخاصمه مسلحانه را در سرزمین لیبی احراز کرده و حتی وسعت جنایات ارتكابی علیه غیر نظامیان را تا حد جرائم علیه بشریت ارزیابی نموده است. نیروهای ائتلافی ناتو در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۱ از طریق عملیات دریایی (۲۰ کشتی) و هوایی (۲۵۰ هواپیما) و در راستای تجویز قطعنامه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۳ و ۲۰۰۹ شورای امنیت^۱ وارد عمل شدند تا غیرنظامیان را مورد حمایت قرار دهند.^۲

(NATO and Libya - Operation Unified Protector, at: http://www.nato.int/cps/en/SID-29C3BAB9-1BB1B5B9/natolive/topics_71652.htm)

کار دیوان بین المللی کیفری نیز مکمل شورا بوده و با احراز جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت در جریان مخاصمه جاری در لیبی، کار را در مورد احراز مخاصمه تسهیل نمود.

به طور کلی می توان گفت در بحران لیبی شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان مسئول اولیه صلح و امنیت بین المللی ابتکار عمل را به دست گرفت و در راستای این امر، از دولت لیبی خواستار پاسداشت موازین حقوق بشردوستانه شد. همچنین شورای امنیت در مسیر اجرای حقوق بشردوستانه از همه دولت ها و سازمان های منطقه ای خواست تا ترتیبات لازم را در راستای ماده ۵۲ منشور ذیل فصل هشتم آن، برای اعاده صلح و امنیت و حفظ آن در منطقه مورد نظر اتخاذ کنند. این در حالی است که سایر دولت ها، سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی خود نیز از دولت لیبی اجرای تعهدات ناشی از مقررات حقوق بشردوستانه را خواستار بوده و در موارد بسیاری اعتراضات دیپلماتیک یا قطع روابط دیپلماتیک دولت های مختلف با دولت لیبی رخ داد.

(<http://www.icrc.org/eng/resources/documents/news-footage/libya-tvnews-2011-03-10.htm>)

این امر به روشنی حاکی از این بود که اعضای جامعه بین المللی اجرای مقررات حقوق

1. e.g. see SC Res. 1973, 2011, para. 7 et seq.

۲. برخی نیز این نوع ورود شورای امنیت و متعاقب آن ورود نیروهای نظامی ناتو را مداخله بشردوستانه ای به شمار می آورند که به عنوان آخرین حربه و در راستای متوقف ساختن نقض های فاحش حقوق بشردوستانه در حال وقوع در لیبی به شمار می آمد.

The Responsibility to Protect in Libya, at:
<http://www.responsibilitytoprotect.org/index.php/component/content/article/136-latest-news/3200-crisis-alert-the-responsibility-to-protect-in-libya>

بین‌الملل به طور عام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به طور خاص را مطمح نظر قرار می‌دادند. (http://en.wikipedia.org/wiki/International_reactions_to_the_2011_Libyan_civil_war) نکته جالب توجه این است که حتی پس از سقوط قذافی و مرگ وی نیز شورای امنیت خاتمه بخشیدن به موارد نقض مقررات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و نیز مدنظر قرار دادن تعهدات ناشی حقوق بشردوستانه را از شورای انتقالی لیبی خواست. (SC Res., 2009- 2011: 6)

۴. نتیجه

اگر بخواهیم به بنیان و اساس حقوق بشردوستانه پی ببریم ناگزیر بایستی به طلیعه این مقررات یعنی ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های اول و سوم الحاقی نگاهی دقیق داشته باشیم. در حقیقت این ماده در سال ۱۹۸۴ توسط دکترین و سپس در سال ۱۹۸۶ توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی تأثیرگذار نیکاراگوئه از سایه خارج شد و در ادبیات حقوقی پس از این رأی بدان توجه بسیار شد.^۱ ماده مورد بحث در پی اجرا و تضمین اجرای حقوق بشردوستانه در وضعیت‌های مختلف مخاصمات اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی است و امروزه به عنوان تعهدی بنیادین با منبعی معاهداتی و عرفی بر تارک موازین حقوق بشردوستانه می‌درخشد و به دولت‌های غیر درگیر در یک مخاصمه اجازه می‌دهد از اطراف درگیر در منازعه مسلحانه بخواهند تا به تعهدات خود در خصوص اجرا و تضمین اجرای مقررات حقوق بشردوستانه پایبند باشند. موازین آن در زمان صلح نیز جلوه‌گر می‌شود و از جمله در قالب آموزش نظامیان و غیرنظامیان و همچنین قانون‌گذاری در عرصه اجرای بهتر قوانین مربوط به آموزش، جرم‌انگاری جرائم مرتبط با مخاصمات و جبران خسارت از زیان‌دیدگان مخاصمات مزبور خود را عیان می‌سازد. نکته جالب توجه این است که گفته می‌شود تعهد تضمین رعایت حقوق بشردوستانه حتی به فرد هم برمی‌گردد و به عنوان مثال دیدگاه اشخاصی نظیر برنده جایزه صلح نوبل و یا موضع دبیر کل سازمان ملل و اعلان این دیدگاه‌ها و مواضع می‌تواند در همین راستا ارزیابی گردد.

در وجه اجرا در زمان مخاصمات نیز دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی ثالث می‌توانند در چارچوب اعتراضات دیپلماتیک و اقدامات دسته‌جمعی غیر قهرآمیز مانند تحریم اقتصادی یا تسلیحاتی و انسداد دارایی‌ها و ممانعت از ورود اشخاص متهم به کشورشان - که در رویه شورای امنیت متجلی شده است - اقدامات لازم را اتخاذ نمایند. در وجه اقدامات قهری نیز

۱. طبیعی است که پس از بذل عنایت بسیار دکترین نسبت بدین ماده، در آرای مهم قضایی بین‌المللی نیز این ماده مورد احترام و توجه قرار گرفت؛ کما اینکه رأی ۱۹۹۵ تادیچ، محکمه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق را نمودی از ماده یک مشترک دانسته و بیان می‌دارد که شورای امنیت اساساً بر مبنای ماده یک اقدام به ایجاد محکمه ad hoc مزبور نموده است.

صرفاً مجوز شورای امنیت ذیل فصل هفتم آن که مقید به اصول منشور ملل متحد باشد، می‌تواند توسل به زور را در عرصه پایان بخشیدن به نقض‌های شدید و فاحش حقوق بشردوستانه در مخاصمات توجیه کند.

در روزگار معاصر روابط بین‌المللی، همواره چالش اصلی حقوق بشردوستانه بحث اجرای آن به هنگام بروز مخاصمات بوده است؛ موضوعی که با دگرگون شدن چهره نبردها در اثر پیشرفت تکنولوژی و قدرت یافتن گروه‌های تروریستی ابعاد پیچیده‌تری به خود گرفته و این موضوع، اجرای مقررات حقوق بشردوستانه و تعهدات منبث از آن را با ابهامات بسیاری مواجه می‌سازد. همچنین بایستی به این مسئله نیز توجه داشت که همواره در اجرای حقوق بشردوستانه، اراده سیاسی دولت‌ها نقش بسیار مهمی را بازی می‌نماید و چه بسا به مانع مهمی در این خصوص مبدل شود. (Sassòli, 2007: 52)

سخن حقوقدانان شهیر، هرش لاتریا، در سال ۱۹۵۲ را یادآور می‌شویم: «اگر حقوق بین‌الملل ناپایدارترین بخش حقوق است، حقوق جنگ به طور قطع ناپایدارترین بخش حقوق بین‌الملل است». (کسسه، ۱۳۷۰: ۲۹۱) بی‌گمان این چالش، تأکیدی بر لزوم توجه فزاینده به تعهد مندرج در ماده یک مشترک به عنوان بنیان اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. در مجموع تردیدی نیست که در منافع و ارزش‌های آرمانی مندرج در ماده یک و تحولات آن، ارزش و اهمیت بسیاری نهفته است. در حقیقت این ماده جلوه‌ای از همبستگی دولت‌ها و در تحلیل نهایی انسان‌ها است که با وجود همه پیشرفت‌های حقوقی و همه توقعات از آن، کماکان به تبعیت از کلیت حقوق بین‌الملل، مراحل رشد میانی خود را از سر می‌گذراند؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت همه ابعاد و ابهامات آن روشن شده باشد. در همین راستا، با توجه به اهمیت بنیادین این ماده از یک‌سو و ناپایداری نسبی حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بایستی از هر آنچه از محیط بیرونی این ماده، اعم از رویه دولت‌ها و مقررات عام حقوق بین‌الملل و غیره که می‌تواند تبیین و توسیع دامنه حمایت‌گرانه این ماده را به همراه داشته باشد، حسن استفاده حداکثری را به عمل آورد.

منابع

الف) فارسی

کتاب

- کسسه، آنتونیو، (۱۳۷۰)، *حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد*، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۶)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مخصصات مسلحانه داخلی*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- وکیل، امیر ساعد، (۱۳۹۰)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، جلد ۲، تهران، انتشارات مجد.

مقاله

- آقایی، قاسم، (۱۳۸۳)، «مداخله بشردوستانه: از ممنوعیت تا ضرورت»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، تابستان، شماره ۱۱.
- باقرپور اردکانی، عباس، (۱۳۸۵)، «تعهد عام دولت‌ها به رعایت و کسب اطمینان از رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط متخصصین»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره ۲.
- دوپویی، پیرماری، (۱۳۸۴)، «قواعد بنیادین حقوق بین‌المللی کیفری و قواعد آمره»، ترجمه سید علی هنجنی، مجله حقوقی، شماره ۳۳.
- رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۱)، «قانون ۱۹۹۹-۱۹۹۳ بلژیک: رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری و صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸، زمستان.
- ساندوز، ایو، (۱۳۹۰)، «اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، در: *حقوق بشردوستانه بین‌المللی*، تألیف و ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر میزان.
- شهبازی، آرامش، (۱۳۸۷)، «چالش‌های مفهوم رزمنده در حقوق بشردوستانه بین‌المللی در عصر مبارزه با تروریسم»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان.

ب) انگلیسی

• Books

- Henckaerts, Jean-Marie and Doswald-Beck, Louise, (2005), *Customary International Humanitarian Law*, Vols. 1, 2, Cambridge University Press.
- Pictet, Jean S. et la, (1952), *Commentary on the First Geneva Convention*, International Committee of Red Cross.

–Sandoz, Yves et la, (1987), *Commentary on the Additional Protocols to the Geneva Conventions*, International Committee of Red Cross.

• **Articles**

–Alvarez, José E, (2009), “The Schizophrenias of R2P”, in: 2007 Hague Joint Conference on Contemporary Issues of International Law, Willem J.M. van Genugten, Michael P. Scharf, Sasha E. Radin (eds.), Cambridge University Press.

–Bassiouni, MC, (2008), “New Wars and the Crisis of Compliance With the Law of Armedby Non-State Actors”, *Journal of Criminal Law and Criminology*, Vol. 98.

–Focarelli, Carlo, (2010), “Common Article 1 of the 1949 Geneva Conventions: A Soap Bubble?”, *EJIL*, Vol. 21, No. 1.

–Greenwood, Christopher, (2008), “Historical Development and Legal Basis”, in: *The Handbook of International Humanitarian Law*, Dieter Felck (ed.), 2nd ed., Oxford University Press.

–Kellenberger, Jakob, (2009), “Sixty years of the Geneva Conventions: Learning from the past to better Face the Future” (Speech), in: Ceremony to celebrate the 60th Anniversary of the Geneva Conventions; Address by Jakob Kellenberger, President of the ICRC, Geneva, 12 August.

–Pfanner, Toni, (2009), “Various Mechanisms and Approaches for Implementing International Humanitarian Law and Protecting and Assisting war Victims”, *International Review of Red Cross*, Vol. 91, No. 874, June.

–Sassòli, Marco et la, (2011), “How Does Law Protect in War?”, Vol. I, 3rd ed., International Committee of Red Cross.

–Sassòli, Marco, (2007), “Implementation of international humanitarian law: Current and inherent Challenge”, *Yearbook of International Humanitarian Law*, Vol. 10.

–Wolfrum, Rudiger and Felck, Dieter, (2008), “Enforcement of International Humanitarian Law”, in: *The Handbook of International Humanitarian Law*, Dieter Felck (ed.), 2nd ed., Oxford University Press.

• **Cases (Arranged by date)**

○ **International Court of Justice**

–Armed Activities on the Territory of the Congo, (2006), Democratic Republic of the Congo v. Rwanda, ICJ Reports.

–Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion), (2004), ICJ Reports.

–Arrest Warrant of 11 April 2000, (2001), Democratic Republic of the Congo v. Belgium, ICJ Reports.

–Armed Activities on the Territory of the DRC Case (Provisional Measures), (2000), ICJ Reports.

–Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, (1996), Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia, ICJ Reports.

–East Timor, (1995), Portugal v. Australia, ICJ Reports.

–Application of the Genocide Convention Case (Provisional Measures),

(1993), ICJ Reports.

– Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, (1986), Nicaragua v. United States of America, ICJ Reports.

– Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited, (1970), Belgium v. Spain, ICJ Reports.

○ Other Cases

– Prosecutor v. Boškoski et al., (2008), ICTY Reports.

– Hamdan v. Rumsfeld, (2006), Supreme Court of the United States, Case No. 05–184.

– Kupreskic, (2000), ICTY Reports.

– Prosecutor v. Duško Tadic, (1999), ICTY Reports.

– Furundzija, (1998), ICTY Reports.

• **Documents (Arranged by date)**

– Draft Articles on the Responsibility of International Organizations, with commentaries, (2011), Report of the International Law Commission.

– Resolution 1970, (2011), Security Council.

– Resolution 1973, (2011), Security Council.

– Resolution 2009, (2011), Security Council.

– Conclusions of the work of the Study Group on the Fragmentation of International Law: Difficulties arising from the Diversification and Expansion of International Law, (2006), Yearbook of the International Law Commission.

– Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, (2005), General Assembly Resolution 60/147.

– Res. 2005/7, (2005), UN Commission on Human Rights.

– Resolution World Summit Outcome, (2005), A/RES/60/1.

– European Union Guidelines on promoting compliance with international humanitarian law, (2005), 2005/C 327/04.

– Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with commentaries, (2001), Yearbook of the International Law Commission.

– Resolution 1503, (1997), General Assembly of the Organization of American States, XXVII- 0/97.

– Final Declaration of the International Conference for the Protection of War Victims, (1993), Geneva, August 30 - September 1.

– Vienna Convention on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations, (1986).

– RES/32/90, (1977), UN General Assembly.

– Vienna Convention on the Law of Treaties, (1969).

– Resolution XXIII: Human Rights in Armed Conflicts, (1968), International Conference on Human Rights, Teheran.

– International Covenant on Civil and Political Rights, (1966).

– Four Geneva Conventions, (1949).

• **Websites**

– <http://www.icc-cpi.int>

- <http://www.ejiltalk.org>
- <http://www.icrc.org>
- <http://www.hpcrresearch.org>
- <http://www.un.org>
- <http://en.wikipedia.org>
- <http://www.responsibilitytoprotect.org>
- <http://www.asil.org>